



پس از انقلاب اسلامی و در دوران رهبری امام خمینی مجلس مربوط به مصومین(ع) از توسعه بی‌سابقه‌ی برخوردار و به شدت تقویت گردید. در دوران رهبری امام خامنه‌ای نیز این روند بیش از پیش توسعه

امام خامنه‌ای و مجالس مربوط به معصومین (ع)

یافت و بصورت روزافزونی تقویت گردید.

بر کات مناسبت‌های مربوط به معصومین

رهبر انقلاب به مهم بودن مناسبت‌های مربوط به معصومین عزاداری و اثار و برکات گرامیداشت این مناسبتها را چنین بازگو می‌نماید:

«خدا را شکر می‌کنیم؛ این یکی از نعمت‌های بزرگ خدا است که حق ما است که منبع الهام برای جامعه اسلامی و شیعی، با ولادت‌ها، با زندگی‌نامه‌ها، با دوران شهادت‌ها، بی‌دری و به‌طور متواتر به جامعه ما الهام می‌دهد؛ این را خیلی باید قدر دانست. در ولادت امیرالمؤمنین، ولادت پیغمبر، ولادت امام حسن، ولادت امام حسین، ولادت فاطمه زهرا، یاد این ستارگان فرروزان و این عظیم‌های رهنمای انسان، در دلها زنده می‌شود؛ این خیلی مغتنم است.»^(۱)

حضور گسترده رهبر انقلاب در مجالس مربوط به معصومین
رهبر انقلاب در بسیاری از اعیاد و مناسبت‌های منتهی‌الحد می‌لادها و می‌یادها در مورد مناسبت مورد تافت و روشنگری و آگاهی‌بخشی فرموده‌اند. در مورد مناسبت‌های عزای نیز معظم‌له همه ساله در حسینیه امام خمینی اقامه عزای می‌نماید. ایشان هر سال از شب اول تا پنجم جمادی الثانی مراسم سوگوری و عزاداری حضرت صدیقه‌کبری(س) را در در حسینیه امام خمینی برگزار می‌فرمایند. همچنین ایشان همه ساله از هتم تا یازدهم محرم مراسم سوگوری و عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را در حسینیه امام خمینی برپا می‌نمایند.

در برخی مناسبت‌های

شعر

بسوزد آن‌همه مسجد، بمیرد آن اسلام که آفتاب در آورد از کلیسا سر

■ **سیدحمیدرضا برقی**



هنوز شوق تو بارانی از غزل دارد نسیم، یک سبذ آیینه در بغل دارد خوشا به حال نسیمی که با تمام وجود دخیل بر علم و پرچم و کتئل دارد خوشا به حال خیالی که در حرم مانده است و هرچه خاطره دارد، از آن محل دارد به یباد چایی شیرین کربلایی‌ها لبم حلاوتِ اَحلی‌م‌العسل دارد چه ساختار قشنگی شکسته است خدا درون قالب شش گوشه یک غزل دارد بگو چه شد که من این‌قدر دوست دارم بگو محبت ما ریشه در ازل دارد غلام‌تان به من آموخت در میانهٔ خون که روسیاهی ما نیز راه‌حل دارد

عزای دیگر نیز ایشان اقامه عزا می‌فرمایند. این عزاداری‌ها با حضور اکثریت مسئولان عالی‌رتبه و سخنرانان و مداحان بزرگ کشور در فضایی فوق‌العاده معنوی و ملکوتی برگزار می‌گردد. به عنوان نمونه حال و هوا و فضای حاکم بر



جماعت مستقل گرفته تا پرده و ویدئو پروژکتور، چندساله‌ی هم هست که بخش‌هایی را با برزنت پوشانده‌اند تا بخاری‌های بزرگ گازی بتواند کمی جلوی سرما را بگیرد. هرچند که چاره‌ای برای خنکی سرد و باد و باران نیست، هرچند که این بخش‌ها هم حاکمتر جمعیتی در حد حسینیه‌را پوشش می‌دهند. هرچند که باز هم هزاران نفر ناچارند در فضای باز بنشینند. همان هزاران نفری که هر سال بیشتر می‌شوند. همسایه‌ها هم کم‌کم عادت کرده‌اند به این وضع؛ به شلوغی و مشکلات گره برایشان یکی دو پارکینگ، بیرون محوطه عزاداری در نظر گرفته‌اند تا ازدحام جمعیت، مانعی برای ترددشان ایجاد نکند. گرچه هرشب، بعد از برنامه‌ها هم برایشان می‌برند، اما به هر حال نمی‌شود گفت همه مشکلات رفع شده. پس چاره‌ای نیست جز در خوابگاه‌های مکرر مسئولین بیت از آنها کاری که هر سال و در شب آخر هر برنامه تکرار می‌شود. بعضی وقت‌ها هم که دعوتشان می‌کنند تا افطاری کنار هم بخورند و رهبر یا آن‌ها هم کلام شود. آنان که می‌شود، کمی از ازدحام و همهمه جمعیت کم می‌شود. هر سه نزدیک‌ترین نماز جماعت برساند و کم‌کم همان جا جایگر می‌شود. بعد از نماز، شعرها شروع می‌شود. همان شعرهای



آن، کلی حرف و حدیث درست می‌کند. از همین صدا کردن آقای ضرغامی بگیر تا آمدن یا نیامدن این شخصیت و آن مسئول. مردم حواسشان به خیلی چیزها هست و البته بازار شایعه هم داغ کافی است یک نفر رفتار خاصی بکند تا برای فردا، نقل پیچ‌پچ‌ها مهیا شود. دعاهای مداح تمام شده و نشده، اتفاقات اول جلسه تکرار می‌شود. همه می‌دانند تا دقایقی دیگر رهبر از مجلس خارج می‌شود، پس دوباره روی پا بلند می‌شوند تا بار دیگر امامشان را ببینند. مداح هم باید تمام تلاشش را بکند که شور سینه‌زنی را سرد کند تا میسادا جمعیت به جلوی حسینیه هجوم ببرد و مشکلی پیش نیاید.

از آنها خواهد پرسید. پس ناچارند با مطالعه در جلسه حاضر شوند. این اتفاق برای مداح بعد از سخنران هم می‌افتد. او هم می‌داند که اینجا جلسه شخصی و هیئت هرروزه‌اش نیست. پس باید زیر برزنت یا در فضای باز، مرد و زن ننارد. شعرها به هم می‌ریزد. هرکس حرف دلش را می‌زند، رهبر آمده است. کمی طول می‌کشد تا دوباره شعرها یکی شود و منظم، اما قوی منظم شد، انگار دیوارها می‌لرزند

همیشگی که البته بعد از فتنه پارسال، داغ‌تر شده و خالص‌تر. و ناگهان همه برمی‌خیزند و جمعیت مترکم، موج می‌خورد و به سمت جلوی سالن، فرقی هم نمی‌کند که داخل حسینیه باشند یا زیر برزنت یا در فضای باز، مرد و زن ننارد. شعرها به هم می‌ریزد. هرکس حرف دلش را می‌زند، رهبر آمده است. کمی طول می‌کشد تا دوباره شعرها یکی شود و منظم، اما قوی منظم شد، انگار دیوارها می‌لرزند

اولین مداح، روضه‌اش را شروع می‌کند. جدای از مداحی، آرام کردن جمعیت و نشانیدن آنها از وظایف این مداح است. هرچقدر هم که در کارش موفق باشد، تا دقایقی نمی‌تواند جلوی اقتضای خودش را دارد و لزومی ندارد تمام آن عینا از صدا و سیما پخش شود؛ باید افرادی بنشینند و بخش‌هایی از این‌ها را که قابل استفاده در فضای عمومی هست، برای پخش جدا کنند.

چندسال پیش هم، ایشان در دیدار با مسئولان صداوسیما درباره پخش برنامه‌های عزاداری در رسانه ملی اینطور گفته بودند: «برای مراسم دینی، اعیاد و عزاداری‌ها برنامه‌ریزی هوشمندانه بشود... اگر برنامه‌های دینی، خوب ادا شود، خستگی نیست؛ نتیجه به داردا مثل داستان آن مؤذن بد صد!»

اصلا همه اتفاقات این جلسه خاص است. هر اتفاق کوچکی در

ادابthon@kayhan.ir

صفحه ۷
یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۴
۲۵ محرم ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۲۰۷



علیرضاقره‌شاعر)
محمدعلی گودینی(نویسنده)
علی محمدنوباد(شاعر)
اکبر صحرایی(نویسنده)
محمد مهدی سیار(شاعر)
سبمن‌ذخت وحیدی(شاعر)
ملوالتیان(نویسنده و تصویرگر)



یادداشتی از آیت‌الله صافی گلپایگانی

در اهمیت شعر و شاعری

شعر، آیت بزرگ الهی

آیات خداوند متعال و نشانه‌های قدرت و حکمت الهی، بیرون از حد شمار و احصا است. در قرآن مجید می‌فرماید: «قل لو کان البحر مدادا لکلمات ربی لنفذ البحر قبل ان تنفذ کلماتی ربی و لو جتنا بمثله مددا».

این آیات، احصائناپذیر است، و چنانکه شاعر با معرفت گفته است:

هر گیاهی که از زمین روید

و حده لا شریک له گوید

همه کوه و صحرا، درختان، ستارگان و منظومه‌ها و کهکشان‌ها، دریاها و جئندگان که با چشم‌های مسلح به ذربین هم دیده نمی‌شوند، و موجوداتی که به سال‌های نوری در حدی از ما دورند که آنها نیز با چشم‌های مسلح به دوربین دیده نمی‌شوند و ذره و اتم، همه آیات خدا هستند که انسان، در معرفت آنها و ذات آنها با این همه دانستی که به دست آورده، مات و مبهوت مانده است، و بالاخره هر کس باشد تا هر کجا و هر زمان صدها و هزارها سال، مرکب اندیشه و تحقیق را براند می‌گوید:

دل گریه در این یادیه بسیار شاکت
کم موی ندانست و بسی موی شاکت
اندر دل من هزار خورشید بنامت

و آخر به کمال ذره‌ای راه نیافت

چه لذت‌بخش و نشاط‌افزین است تفکر در این کاینات، و چه اندک و کم است آنچه بر انسان کشف شده است در برابر آنچه نامکشوف مانده است. امیرالمؤمنین علی‌السلام به خداوند عرضه می‌دارند: «سبحانک ما اعظم ما نری من خلقتک، منزهی تو، چقدر بزرگ است آنچه که از مخلوقات تو مشاهده می‌کنیم» و ما باید بگوییم چه اندک و کم است تفکر ما در این آیاتی که می‌بینیم، و شب و روزمان مستغرق در آنها هست، و چقدر کم است آگاهی ما از آنها در کنار آنچه از آن علی‌الدوام غافلیم.

قال الله تعالی: «و کاین من آیة فی السموات و الارض یمرون علیها و هم عنها معروضون، صدق الله العلی العظیم».

یکی از این آیات عظیمه انفسیه - که اگر چه بیشتر با همگان با گوش و هوش خود با آن آشنا هستند، ولی در عظمت آن، کم اندیشه می‌شود، و ابعاد وسیع آن بسیار عمیق است - ذوق و قریحه و طبع شعر و میل به سخن‌سرایی می‌زود و لطیفه‌جویی و سخن به نظم و نظام گفتن است که در تعریف کامل آن، اینون لفظ، گویای کافی نیست.

البته برای انسان‌های با معرفت که فقط به ظاهر دنیا نمی‌نگرند، و مثل حیوانات - که از سبزه و گیاهان خوش‌رنگ و زیبا، به همان ظاهر و استفاده جسمانی از آن کفایت می‌کنند - نیستند، و نیروی درک‌های دارند که باطن اشیاء را با آن درک می‌کنند، جمال همه اشیاء بر انسان، لذت‌بخش و شور و شوق‌افزین است، و شکوفه‌های درختان، مرغزارها و سبزه‌زارها و آبشارها و گل‌های رنگارنگ و آواز و الحان پرندگان و حرکت ماهیان دریا و هزاران هزار کایناتی که می‌بینند، آنها را به پرواز در می‌آورد و از خود بی‌خود می‌سازد.

این قریحه این ذوق شعری و ادبی از هیچ کدام از آنها کمتر نیست است که برای بسیاری بیشتر و بالاتر است. گاه برای اهل معرفت و ذوق، درک و بیشکی که از یکی آیات قرآن کریم فراهم می‌شود، برای بقیه فراهم نمی‌شود.

شوق و ذوقی که برای اهل معرفت و معنی در وقت شنیدن و خواندن خطبه‌های امیرالمؤمنین علی‌السلام از تهنیت‌البلاغه حاصل می‌شود، از تماشای سبزه و گلزار فراهم نمی‌گردد.

راجع به شعر و ادب و فنون و رموز آن که یکی از فنون جمیله و آیات الهیه است، سخن بسیار است. یکی از ابعاد بسیار مهم شعر که کمتر مورد توجه است، بعد دلالت آن بر وجود عالم غیب و وجود انسان می‌باشد. همان‌طور که آیات آسمان و زمین، همه و همه و هر کدام، کتاب‌های بزرگ معرفت‌بخش است، اشعار شعرا در ستایش و ستیاس خدا، در مدائح پیغمبر خدا حضرت محمد مصطفی و اهل بیت آن حضرت سلام‌الله علیهم اجمعین، در مواظف و نصایح و آداب و اخلاق، در دعوت به خیر و تحریک به میهر و رحمت و احسان، در بیان عظمت کاینات زمین و آسمان و وصف طبیعت، و رسته‌های فنی شعر و ادب، بسیار عجیب است.

باید همان‌طور که وقتی یکی از آیات تکوینیه ظاهری را می‌بینیم، زبان به

پی نوشت‌ها:
۱- بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳/۱۰/۱۳.
۲- گزارشی از مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹/۹/۲۸.
۳- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

پی‌نوشت‌ها:
۱- بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳/۱۰/۱۳.
۲- گزارشی از مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹/۹/۲۸.
۳- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

پی‌نوشت‌ها:
۱- بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳/۱۰/۱۳.
۲- گزارشی از مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹/۹/۲۸.
۳- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

پی‌نوشت‌ها:
۱- بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۳/۱۰/۱۳.
۲- گزارشی از مراسم عزاداری در حسینیه امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹/۹/۲۸.
۳- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

ادیب‌المومنین (ع) به کدام شاعر گفت برای پسر من مرثیه بگو؟

یا از خاک کربلا سرشته شده است به هر جهت این اشعار مصیبت حضرت اباعبدالله(ع) به هیچ وجه مندرس نمی‌شود و این کشف می‌کند از عظمت و بزرگی مرتبت و کثرت معرفت محتشم.»

ترکیب‌بند محتشم از زمان سرایش تا کنون صدرنشین مرثای است و با گذشت زمان، لطف خود را از دست نداده است؛ پس از محتشم شاعران بسیاری به استقبال از او ترکیب‌بندهایی زیبا سرودند که هر یک امتیازاتی برخوردار است و همه آنها تحت تأثیر صفای باطن و سوز و گداز محتشم، سرفه نشینان خوان کرم سالار شهیدان حسین ربی علی(ع) دشمنان، محتشم کاشانی در سال ۹۶۶ هجری قمری در گذشت و مدفن وی در محله‌ای در کاشان به نام «محله محتشم» زیارتگاه دوستان و محبین اهل بیت(ع) است.

بند اول از دوازده بند محتشم

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه توجه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفع صور خاسته تا عرش اعظم است
این صبح تیره باز دیدم از کجا کزو
کار جهان و خلق جهان جمله در هم است
گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
کناشوب در تمامی ذرات عالم است
گر خوانتمش قیامت ذرات بعید نیست
این رستخیز عالم که نامش محرم است
در بارگاه قدس که جای ملال نیست
سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند
گویا عزیاد اشرف اولاد آدم است
خوب‌تر از آسمان و زمین نور مشرفین
پرورده‌ی کنار رسول خدا حسین
بند دوم از دوازده بند محتشم

کشتی شکست خورده طوفان کربلا
در خاک و خون طغیبه میدان کربلا
گر چشم روزگار بر وزار می‌گریست
خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا
نگرفت دست دهر گلابی به غریب‌گش
ز آن گل که شد شگفته به بستان کربلا
از آب هم مضایقه کردند کوفیان
خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید
خاتم ز قحط آب، سلیمان کربلا
زان تشنگان هنوز به عبوق می‌رسد
فریاد العطش ز بیابان کربلا
آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم
گردن رو به خیمه سلطان کربلا
آن دم فلک بر آتش غیرت سینند شد
کز خون خصم در حرم افغان نلند شد



از آنجا که چهارده قرن از شهادت امام حسین(ع) می‌گذرد از همان ابتدا تا به امروز شاعران بسیاری در این سوگ عظیم شعر سروده‌اند و همین نشان از این دارد

که این واقعه چه ظرفیت‌هایی برای خلق یک اثر هنری دارد.

به گزارش فارس؛ سیدکمال‌الدین علی، ملقب به «شمس‌الشرای کاشانی» و «حسان‌العجم» متخلصی به «محتشم» شاعر بلندآوازه آغاز

قرن دهم هجری، در حدود سال ۹۰۵ هجری قمری در کاشان چشم به جهان گشود. وی در نوجوانی به مطالعه و تحصیل علوم دینی و ادبی معمول پرداخت و در کنار علم آموزی به حرفه «شعربافی» روی آورد که در برخی اشعارش به این حرفه خود اشاره می‌کند:

پیش از این کز شاعری حاصل نمی‌شد بشعیر
وز ضرورت کرده بودم «شعربافی» را شعار

محتشم در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و قصاید و غزلیاتش مورد لطف شاه قرار گرفت و اشعاری در مدح سلاطین و شاهزادگان صفوی به ویژه شاه طهماسب و فرزندان او سرود.

محتشم پس از مدتی در زمره نام‌آورترین شعرای عصر خود قرار گرفت و با توجه به معتقدات دینی خود و احساسات شیعی دربار صفوی که درصدد تقویت و گسترش مذهب شیعه بودند به شعر این مذهب و مرثای اهل بیت(ع) روی آورد که در نوع خود تازه و بی‌بدیل بود. سرآمد آنها ترکیب بند مشهور او در دوازده بند در سوگ سالار شهیدان حسین ربی علی(ع) مرثیه‌سرای پس از خود ایجاد کرد.

کربلایند عشاوریی محتشم از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است و می‌توان او را به واسطه سرودن این اثر، معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی- عاشورایی به وجود آورد.

درباره جوهرنگی سروده شدن ترکیب بند محتشم درباره امام حسین(ع) مدرسسی تهریزی نقل می‌کند: محتشم پس از وفات برادرش عبدالغنی، مرثای بسیاری درباره او می‌گفت تا شبی در عالم رویا به خدمت حضرت امیرالمومنین علی(ع) رسید. امام به او فرمود: چرا در مصیبت برادرتر مرثیه می‌گویدی اما برای فرزندم حسین(ع) مرثیه نمی‌گویدی؟ عرض کرد: یا امیرالمومنین! حسین(ع) خارج از حد و حصر است و لذا آغاز سخن و در نقلی آمده است که محتشم از خواب بیدار می‌شود و شروع به سرودن می‌کند تا اینکه می‌رسد به این مصراع: «هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال» و متحیر می‌ماند که در مصراع بعد چه بگوید که شایسته مقام حضرت بویی باشد. تا اینکه باز آمد غیبی شامل حالش می‌شود و ششی در خواب حضرت ولی عصر(عج) را زیارت می‌کند و آن حضرت به او می‌فرماید: بگو: «او در دل است و هیچ دلی نیست بی‌مال؛ پس بیدار

شده و آن بند را به پایان می‌برد.

باری، سرانجام مرثیه شگفت‌انگیز محتشم در رئای سالار شهیدان حسین بن علی(ع) در قالب ترکیب‌بندی شامل دوازده بند متولد شد و تحسین همگان را برانگیخت و از همان ابتدا مورد توجه خاص و عام قرار گرفت.

محدث قمی درباره محتشم می‌نویسد: «محتشم شاعر، صاحب مرثای معروفه که در جمیع تکایا و مجالس ماتم اباعبدالله الحسین(ع) بر در و دیوار آن نصب شده است و گویا که از حزن و اندوه آن اشعار نگاشته شده

صفحه ۷
یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۴
۲۵ محرم ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۲۰۷



علیرضاقره‌شاعر)
محمدعلی گودینی(نویسنده)
علی محمدنوباد(شاعر)
اکبر صحرایی(نویسنده)
محمد مهدی سیار(شاعر)
سبمن‌ذخت وحیدی(شاعر)
ملوالتیان(نویسنده و تصویرگر)



تکبیر و تعظیم و ستایش قدرت الهی باز می‌کنیم؛ از شنیدن اشعار شعرای بزرگ نیز همین تسبیح و تعظیم را داشته باشیم.

این معانی که خدا می‌داند چند هزار سال یا چند صد هزار سال پیشتر بوده است و به زبان‌های مختلف و جمله‌های جداگانه گفته‌اند، و این استعارات، این تشبیهات، این حقایق و این لطایف از کجا می‌آید؟ و چگونه است که تمام‌شدنی نیست و چگونه در اندیشه می‌آید؟ غیر از آن است که هر اندیشمندی می‌فمَد که انسان، این گوشت و پوست در استخوان نیست، و حقیقتش سیار و بالا است. خودش، خود را کم گرفته است، و اسیر ظاهر و لذات ظاهر نموده است. این شعرای عرب و عجم، هر بیت شعرشان، کلمه‌ای از کلمات خدا و آیتی از آیات خدا است. آیا مثل این شعر از آیات الهی نیست؟ اگر سنگ و کلوخ و کوه و ابر و آب و برگ هر درخت، آیتی الهی است، این ادبیات به این عنوان سزاوراوند:

سپاس و حمد بی حدست خدارا

که از کتم عدم آورد مارا

خوداندی که وحدت پایه او است

زمین و آسمان در سایه او است

بسیمیی خارج از ترکیب و پیوند

معیطی پاک از همتا و ماندند

چسان این بنده حدش را نماید؟

که بر هر حمد، حمدی لازم آید

به پیش آن که بی‌پیوند و خویش است

هر آن را معرفت پیش است پیش است

یکی دیگر از ویژگی‌های شعر، نقاش و تاثیر آن در روح و اندیشه شنونده است که گاه بسیار شگفتانگیز است، و بسا که اثر یک بیت شعر، شخص را عوض کند، و سال‌ها و تا عمر دارد باقی بماند.

به این جهت، نقش شعرای متعدد در تربیت جامعه و هدایت همگان خصوص نسل جوان و تحول فکری، عامل مهمی به شمار می‌آید؛ بسا یک شعر در معارف، در اخلاق و در مواظف به گونه‌ای موثر شود که سخنرانی‌های متعدد، آن اثر را ندارد. در حرکت‌های بزرگ تاریخ، در تهییج اقوام و در دعوت به کارهای نیک، و اقدامات بزرگ سرنوشته‌ساز، در اظهار حق و کوبیدن باطل، کاری که از شعر-برمی‌آید یا صرف هزینه‌های کلام فراهم نمی‌شود.

برای اشعار شعرای صدر اسلام، مثل حسان، لبید، یا اشعاری مثل قصیده میممه فرزدق در آن موقعیت حساس که کسی زبان به بیان حق نمی‌تواند کرد، و یا اشعار سید حمیری و دبیل و کمیت و صدها شعرای شجاع و خودنفرخته، نمی‌توان ارتش‌زسی معین نمود. این اشعار، همیشه در طی مرور قرون و اعصار، آموزنده و اثرناشناس بوده است.

شعراهای شعرای فارسی‌زبان در الهیات و مدایح حضرت رسول اکرم و ائمه طاهراین صلوات‌الله علیهم اجمعین و بیان حقایق و مواظف و وصف حال طبیعت و قدرت الهی، و هم در مرثای مخصوصا در موضوع عاشورا، نیز سازنده و وسیله انتقال حقایق و حفظ هویت فرهنگی اسلامی و مذهبی بوده و هست. در این میان هم، افرادی به عنوان شاعر، از این نعمت عالی طبع شعر و ذوق، سوه‌استفاده نموده، و با سرودن اشعار مبتذل، به تزویج فساد اخلاق و گمراه کردن مردم و مدح ستمگران پرداختند، و به جای شکر این نعمت، کفران نعمت نمودند.

پرسی شعر سبید عاشورایی سیداکبر میرجعفری عاشورایی در روزگار ما



دهه اول» لفظاتی از بند تفکرات شعر کلاسیک و موزون رها می‌شود و زبان ساده‌ای می‌یابد برای بیان حرف‌های عاطفی‌اش، شاعر آثاری را خلق می‌کند که عاطفه، فرم و خیال «گنجشک و جبرئیل» که در دههٔ ۶۰ خلق شد و حدوداً یک دهه بعد مورد توجه قرار گرفت و از آن پس دوباره با خلا شعر سبید عاشورایی مواجه می‌شویم.
مقدمهٔ ذکر شده را از آن جهت عنوان نمودم تا خوانندگان پیش از هر چیز به درک جای خالی فضای شعر سبید آیینی و خصوصاً عاشورایی در دههٔ اخیر پی‌سی ببرند و پس از آن می‌خواهم به معرفی کتاب چند مجلس از دههٔ اول بپردازم. کتابی از شاعری میان سال (متولد ۱۳۴۸) که در رقابت با شاعران جوان در جشنواره کتاب فصل و جشنواره کتاب سنال جمهوری اسلامی پیروز شد. سبید اکبر میرجعفری را هنوز بدست‌یابش با آثار آیینی موزون و قالب‌بندی پرسد مخاطبان شعر که البته در کتاب شعر «چند مجلسی از دههٔ اول» ساختار شکنی می‌کند و به جای مقدمهٔ کتاب، متن منظومه و موزونی می‌آورد.
حتی در پایان و مازخه کتاب دوباره جریان انتظار ذهنی مخاطب را به هم می‌ریزد و داستانی به قلم خود، برای واقعهٔ عاشورا می‌آورد. پس فرم کتاب با یک منظومه به عنوان مقدمه شروع می‌شود و پس از آن ۴۹ شعر سبید و نهایتاً دو داستان به عنوان مآخسه، کتاب را به پایان می‌رساند.
همه که مثل هم شهید نمی‌شوند
حتی آن‌ها که با در رکابند
هزار گونه شهادت دارند
و تو هر چه صبر می‌کری
بیشتر شهید می‌شدی!
(صفحه۴۳)

سید اکبر میرجعفری در سرودن شعرهای مجموعه «چند مجلس از

شاعر مجموعه «چند مجلس از دههٔ اول» عاشورا را به روزگار خودش می‌آورد و شاید زندگی خودش را به آن روزگار می‌برد و عناصر هم‌چون باغ‌های شهیار، دفترخانه‌های تهران، سد کرج، جنگل‌های گیلان، شیشه‌های دو جداره، ظروف آشپزخانه، پارک‌های تهران و چراغ‌های قرمز را با طابع خیالی خویش گره می‌زند و در میان شعرها کتاب شعری متفاوت نمایان می‌شود که قابل توجه است.